روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳ ■ سال سی‌ودوم ■ شماره ۹۰۷۱ ■ جهش تولید با مشارکت مردم

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
زبان، درنده‌ای است که اگر آزادش گذارند بگزد.

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۴ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۳۹
■ اذان مغرب: ۱۸:۵۸ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۹
■ اذان صبح فردا: ۳:۵۸ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۲۷

حافظ
بادلارامی مرا خاطر خوش است
کز دلم یک باره بُرد آرام را

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: مهدی علیپور
■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی، پروانه بهرام نژاد
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: سیمین برادران
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
اقتصاد:
■ مدیر: محسن امین
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند
ایران‌شهر:
■ دبیر: زهرا عباسی

تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ دبیر: ساسان شادمان
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی
■ دبیر: مهلا داریان
فرهنگ شهر:
■ دبیر: علی ترابی

گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
روز هفتم:
■ دبیر: مریم باقرپور
صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

یادداشت

همیار پلیس باشید

حامد فوقانی

زورگیران خشن بزرگراه صدر دستگیر شدند؛ همان‌هایی که صبح ۲۱ فروردین با قمه به راننده خودروی ال ۹۰ حمله‌ور شدند و گوشی او را به سرقت بردند. سرنخ اصلی دستگیری آنها هم، همان فیلمی بود که سرنشین یک‌خودروی دیگر با احتیاط از صحنه ضبط و منتشر کرده بود. اینکه در برخورد با گوشی‌قاپ‌ها و سارقان خیابانی چه اقدام قضایی باید صورت بگیرد، بحثش جداست اما دیده‌بانی و نحوه برخورد با چنین رخدادهای رعب‌آوری از سوی شاهدان، بحثی مهم است که نباید از آن غافل شد. بیایید خودمان را جای فردی بگذاریم که سریعا دست به‌کار شده و فیلم حمله سارقان بزرگراه صدر را ضبط کرده است. آیا اگر ما هم با چنین حوادثی مواجه شدیم باید اینگونه اقدام کنیم؟ شاید بد نباشد برای این منظور برخی از توصیه‌های پلیس را مرور کنیم تا بهترین تصمیم را بگیریم.

۱ در وهله نخست باید از درگیری و مداخله با سارقان خودداری کرد. قطع به یقین گوشی‌قاپ‌ها و کیف‌قاپ‌ها همراه خود دست‌کم سلاح سرد دارند که درصورت ترس، مقاومت افراد یا درگیری از آن استفاده می‌کنند. موضوع وقتی بدتر می‌شود که سارق، یا سارقان، کم‌سن و سال باشند؛ آنها با چاقو یا قمه ضربه‌هایی به طرف مقابل وارد می‌کنند که سرانجامش می‌تواند آسیب‌های جدی به بدن یا حتی فوت فرد باشد.

۲ یکی از بهترین کمک‌ها به مال‌باخته‌ها یا احیانا زخمی‌شده و آسیب‌دیده، دقت و حفظ نشانه‌هایی مهم از سارقان است. پلاک موتور یا خودروی آنها، چهره‌شان، نشانه‌های خاص مثل خالکوبی روی بدن، آرایش موها، زیورآلات، لباسی که پوشیده‌اند و چگونگی راه رفتن و خیلی از نکات دیگر می‌تواند سرنخ‌های لازم را در اختیار پلیس و کارآگاهان بگذارد.

۳ برای تهیه ویدئو از صحنه جرم، ضروری است احتیاط لازم صورت بگیرد. یک بی‌احتیاطی کوچک می‌تواند خطرات فراوانی متوجه فیلمبردار کند.

۴ اینکه ویدئوی تهیه شده را چه کنیم، نکته ای بسیار مهم است. انتشار تصاویر و فیلم‌های این‌چنینی در شبکه‌های اجتماعی از یک سو گاهی کار را برای نیروهای پلیس در به‌دام انداختن مجرمان سخت‌تر می‌کند، چراکه می‌تواند باعث مخفی شدن یا فرار کردن آنها شود. از سوی دیگر، ترس و وحشت را به جان دیگر شهروندان می‌اندازد. طی سال‌های اخیر با فراگیر شدن و توسعه شبکه‌های اجتماعی، این حس در برخی از مردم ایجاد شده که انگار میزان سرقت و جرم بالا رفته است. اگرچه این روزها دست هر فردی حداقل یک گوشی موبایل است و انگیزه موبایل‌قاپی را افزایش داده اما انتشار فیلم‌ها در فضای مجازی هم عاملی شده تا احساس افزایش جرم را تقویت کند. بنابراین به جای انتشار فیلم در شبکه‌های اجتماعی و در نتیجه وایرال شدن آن، بهتر است که فیلم در اختیار مأموران پلیس قرار گیرد؛ درست مثل کاری که یک‌شهروند تهرانی در سال ۹۱ انجام داد و بعد از گرفتن ویدئویی از لحظه ارتکاب جرم ۲ زورگیر خشن، فیلم را روی سی‌دی ریخت و تحویل پلیس داد. همین کافی بود تا ماموران، خیلی زود، مجرمان را دستگیر کنند. مطمئن باشید پلیس امین مردم است و آنگونه جلو می‌رود که کوچک ترین خطری، آورنده اطلاعات را تهدید نکند.

۵ نکته آخر اینکه همیشه در مواجهه با سارقان، احساس قلدری و مقابله و مقاومت را باید کنار گذاشت و به جای آن با تصمیم منطقی، اقدامی کرد که بتواند به پلیس کمک کند.

کارتون

خشک‌کن خورشیدی

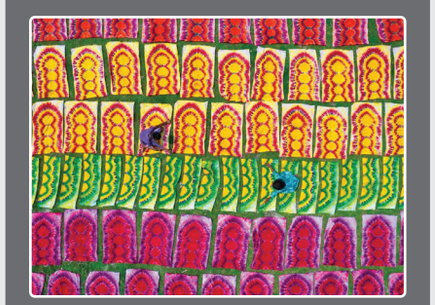

هزاران متر پارچه رنگ‌شده، در شهر «نارا این گنج» اندونزی، جلوی آفتاب پهن شده‌اند تا به شکلی ارزان و پایدار، خشک شوند.
این عکس که با پهپاد گرفته شده، یکی از عکس‌های منتخب مجله «اسمیتسونین» است.

رژه روز ارتش در سال ۵۸ در میدان آزادی تهران

اولین رژه روز ارتش در سال ۵۸ مقابل منزل امام (ره) در قم

ارتش فدای ملت

امام خمینی(ره) چطور جلوی انحلال ارتش را گرفت؟

ارتش امروز یکی از ارکان باصلابت و مقتدر امنیت کشور است، اما اگر پافشاری و حمایت یک شخص خاص نبود، امروز ارتشی در کار نبود و احتمالا نشانه‌هایش در زندگی روزمره‌مان، تنها به خاطرات سربازی پدرها و پدربزرگ‌هایمان محدود می‌شد. این شخص خاص امام‌خمینی(ره) بود که در دوران پر تب و تاب بعد از انقلاب، به امرای مومن ارتش و بدنه آن اعتماد کرد و جلوی انحلال این نهاد را گرفت. بعد از انقلاب، فضای عمومی در کشور چندان به نفع ارتش نبود و به‌خصوص گروه‌های چپ به‌دنبال انحلال ارتش بودند. این گروه‌ها صحبت از تشکیل «ارتش خلق» و «ارتش بی‌طبقه توحیدی» می‌کردند. این صحبت‌ها البته در حالی مطرح بود که نیروهای ارتش در کردستان و گنبد(ترکمن‌صحرا) درگیر ناآرامی‌ها بودند. رابطه سرلشکر محمدولی قرنی که از سوی امام به ریاست ستاد ارتش منصوب شده بود، با دولت موقت شکرآب بود، تا جایی که قرنی مجبور به استعفا شد. بعد از انتصاب یک ژنرال نزدیک به دولت، اوضاع کمی آرام شد، اما همچنان فریاد انحلال ارتش در جامعه به گوش می‌رسید.

در این شرایط، امرای ارتش به ملاقات امام رفتند و از او خواستند فرماندهی خود بر نیروهای مسلح را دوباره اعلام کند تا ارتش از تهدیدها دور شود. امام هم در پیامی تاریخی، ۲۹فروردین را روز ارتش اعلام کرد و چنان با صراحت از این نهاد حمایت کرد که بقای آن تضمین شد. در این پیام که در ۲۸فروردین منتشر شد، آمده است: «روز چهارشنبه ۲۹فروردین روز ارتش اعلام می‌شود. ارتش محترم در این روز در شهرستان‌های بزرگ با ساز و برگ به رژه بپردازند و پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران و حضور خود را برای فداکاری در راه استقلال و حفظ مرزهای کشور اعلام نمایند.»

احتمالا گروه‌های خاصی با این پیام مخالف بودند و چه‌بسا این تصور در جامعه ایجاد شده بود که حتی اگر امام از ارتش چنین قاطعانه حمایت نمی‌کرد، اتفاق خاصی نمی‌افتاد. اما کمی بیش از یک سال بعد، با شروع جنگ تحمیلی، پیامدهای این تصمیم امام به‌خوبی نمایان شد و حالا امروز نمی‌توان تصور کرد که اگر ارتش در جنگ تحمیلی وجود نداشت و در کنار سپاه و نیروهای مردمی از خاک وطن دفاع نمی‌کرد، جنگ چه سرنوشتی پیدا می‌کرد.

از آن سال تا امروز، همه‌ساله نیروهای ارتش «در شهرستان‌های بزرگ با ساز و برگ به رژه» می‌پردازند و نه تنها حمایت خود را از جمهوری اسلامی و ملت ایران نشان می‌دهند، بلکه به‌نوعی تداوم خدمات خود را هم جشن می‌گیرند.

لانه همسایه

سیدسروش طباطبایی‌پور

بهار، فصل لانه‌سازی بسیاری از پرندگان است؛ آشیانه‌هایی به شکل حفره‌ای، فنجانی، تپه‌ای، آویزان و... و با مصالحی چون شاخه‌های شکسته، گِل همراه با الیاف گیاهی و... حالا اگر پرستویی نزدیک خانه ما آشیانه‌ای ساخت یا لانه گنجشکی، سر راه ما سبز شد، با این همسایه‌های نازنین چه کنیم؟ چگونه هوای لانه همسایه جدید را داشته باشیم؟ چگونه مزاحمش نشویم و یا اگر او مزاحم رفت‌وآمد ماست، چگونه با آن، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشیم؟

چگونه لانه پرنده را تشخیص دهیم؟

با وجود اینکه پرندگان زیادی همسایه ما هستند، بی‌دلیل نیست که لانه آنها را نمی‌بینیم! پرندگان لانه‌هایشان را جایی می‌سازند که جلوی چشم ما نباشد؛ در واقع لانه‌های مخفی، تنها شانس در امان‌ماندن تخم‌ها، جوجه‌ها و والدین ریز و درشت پرندگان است. پس اگر این روزها در نزدیکی محل سکونت‌تان، جیک‌جیک‌های فراوانی می‌شنوید، برای پیداکردن منبع صدا، تلاش نکنید و اجازه دهید لانه همسایه شما، همانطور مخفی بماند. حتی گاهی تقلا و توجه بیش‌از حد شما برای پیداکردن لانه پرندگان، توجه شکارچیان ناقلای دیگر را هم جلب خواهد کرد و کنجکاوی شما، یک لقمه لذیذ برای جناب گربه خواهد شد.

به غریزه پرندگان اعتماد کنید

حالا فرض کنید نیروی غریزه همسایه شما، خوب کار نکرد و مثلاً جناب پرنده، لانه‌اش را درست جلوی چشم شما، بالای در ورودی پارکینگ یا کنار گلدان شمعدانی شما ساخت. حالا چه کنیم؟

لطفاً قبل از هر اقدامی، به این سؤال‌ها پاسخ دهید: آیا امکان دارد برای مدتی، درِ پارکینگ خانه خود را باز و بسته نکنید و خودروی خود را در حیاط یا خیابان پارک کنید؟ آیا امکان دارد لااقل برای مدتی کوتاه، گل شمعدانی قشنگتان را آبیاری نکنید؟ اگر پاسخ شما مثبت است که چه عالی! اما اگر جوابتان منفی است بدانید حتی اگر با احتیاط و با رعایت تمام جوانب ایمنی، لانه همسایه خود را جابه‌جا کردید، امکان دارد به همسایه بالدار شما بر بخورد و کلاً لانه خود را برای همیشه رها کند.

کاسه داغ‌تر از آش

گاهی از سر خیرخواهی، اطراف لانه پرنده خود را با مقوا یا کارتنی می‌پوشانید تا همسایه عزیزتان از آسیب گربه، کلاغ و مار یا بچه‌محل‌ها، در امان بماند. بد نیست بدانید این مقوا یا کارتن اضافی، اتفاقا گاهی سکوی پرشی می‌شود برای گربه‌های محل تا با استفاده از آن به‌اصطلاح محافظ، خودشان را به راحتی به لانه پرنده بخت‌برگشته برسانند و تمام. پس لطفا کاسه داغ‌تر از آش نشوید و اعتمادتان را به طبیعت افزایش دهید.

نوپا یا نوزاد

اگر جوجه همسایه، جیک‌جیک‌کنان، کف حیاط یا جلوی راه‌پله‌های خانه شما سبز شد چه کنیم؟ اول اینکه باید بررسی کنید این جوجه بخت‌برگشته، نوپا است یا نوزاد؟ بدنی خیس، بدون پر، اغلب به رنگ صورتی، چشم‌هایی بسته و... اینها، نشانه‌های یک جوجه تازه متولدشده بی‌دفاع است که به دلایلی مثل باد یا... از لانه روی درخت افتاده. پیشنهاد ما این است که نزدیکش نشوید و از راه دور، از او در مقابل گربه یا دیگر شکارچیان، مراقبت کنید. اطمینان داشته باشید والدین این جوجه نوپا، همان اطراف هستند و چون رایحه شما را استشمام می‌کنند، به دلبندشان نزدیک نمی‌شوند. اما اگر جوجه مورد نظر، نوزاد است و در حال ورجه ورجه، ابتدا لانه‌اش را پیدا کنید، سپس آن را به عقب، روی دستانتان قرار دهید و توی لانه‌اش بگذارید.

لانه‌های رها

گاهی پرندگان به دلایل امنیتی، آب و هوایی یا مواردی ناشناس، لانه خود را رها می‌کنند. پیشنهاد ما این است که در نخستین قدم، لانه‌هایشان را خراب نکنید. این احتمال وجود دارد که آنها در همان اطراف و راه دور، در حال بررسی شرایط هستند و تا اوضاع بسامان شد، به لانه خود بازمی‌گردند.

جین
بلای جان زمین

وقتی از چیزهایی حرف می‌زنیم که دشمن محیط‌زیست هستند، تصورمان آلودگی هوا، زباله‌ها، پسماندها و پلاستیک‌هایی است که در طبیعت رها می‌شوند، اما جالب است بدانید که یکی از چیزهایی که می‌تواند به اندازه ۱۰کیلومتر رانندگی با خودروی بنزینی برای محیط‌زیست مضر باشد و آلودگی تولید کند، شلوار جین است! بله، حداقل همین شلوار جین که در کمد اکثر ما یکی از آن پیدا می‌شود، بخش جدایی‌ناپذیر پوشش روزانه ماست و هیچ وقت هم از مد نمی‌افتد، اثرات زیست‌محیطی زیادی دارد و آن دسته از شلوارهایی که مدل خاصی دارند و در مد سریع و زودگذر دسته‌بندی می‌شوند، نسبت به مدل‌های کلاسیک‌تر آن، آلودگی بیشتری هم تولید می‌کنند. ماجرا این است که بررسی چرخه عمر یک شلوار جین و آلودگی زیست‌محیطی مربوط به آن از مرحله کشت پنبه تا زمان دفع نهایی آن، نشان می‌دهد که برخی شلوارهای جین تنها ۷بار پوشیده می‌شوند و میزان انتشار دی‌اکسید کربن آنها ۱۱برابر بیشتر از شلوارهای جینی است که به‌طور متداول استفاده می‌شوند. به‌طور میانگین، شلوارهای جین متداول ۱۲۰بار پوشیده می‌شوند و در مجموع ۰.۲۲کیلوگرم دی‌اکسید کربن تولید می‌کنند که ۴۸درصد آن به شست‌وشو، خشک کردن و اتو زدن لباس‌ها پس از خرید مربوط است. در مقابل، شلوارهای جین در صنعت مدی که به سرعت تغییر می‌کند، ۹۵ تا ۹۹درصد بیشتر کربن به جا می‌گذارند که ۷۰درصد آن مربوط به تولید پارچه و الیاف و ۲۱ درصد مربوط به حمل‌ونقل آنها از کارخانه به دست مصرف‌کننده است؛ بنابراین هر بار که به مد سریع «نه» می‌گویید و لباسی مرغوب‌تر می‌خرید، در واقع دارید به محیط‌زیست کمک می‌کنید. پس بیایید این روند آلاینده را تغییر دهیم و مد را به چیزی تبدیل کنیم که بتوانیم با فکر به سیاره و کمدهایمان، احساس خوبی داشته باشیم.

چهره روز

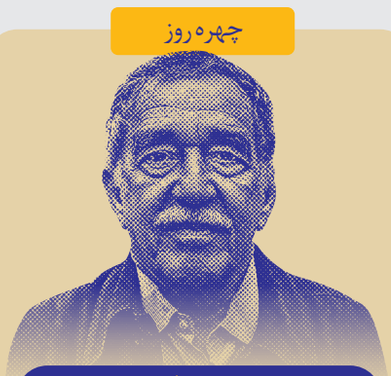

گابریل خوزه گارسیا مارکز
نویسنده، روزنامه‌نگار
(۱۹۲۷ – ۱۷ آوریل ۲۰۱۴)

جادوگر شهر موز

فاطمه عباسی

در اینکه گابریل گارسیا مارکز مشهورترین و بزرگ‌ترین نویسنده آمریکای لاتین محسوب می‌شود، هیچ شکی نیست. نگارش رمان‌های جاودانه‌ای چون «صد سال تنهایی» و «عشق سال‌های وبا» و دریافت جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۸۲ گواه این مدعاست.

از سوی دیگر مارکز در بیشتر قالب‌های داستانی مانند داستان کوتاه و رمان دست به تجربه زده و نمونه‌های موفقی را عرضه کرده است. با یک تعبیر و تحلیل ساده وجه مشترک تمام این آثار، آمریکای لاتین است. آمریکای لاتین و تمام وجوه این سرزمین از جمله فرهنگ، آداب و رسوم و شخصیت‌ها، حضور پررنگی در داستان‌های مارکز دارند.

مارکز از تأثیر همینگوی و فاکنر بر داستان‌هایش گفته ولی معتقد بوده آنچه چشمانش را باز کرده، موسیقی بوده است؛ موسیقی و به‌ویژه آهنگ‌های روایی سرزمین خودش: «۳۰ سال پیش کسی فراتر از خیابان ماگدالنا، آهنگ‌های والناتو را نمی‌شناخت. شکل آهنگ‌ها که یک داستان یا واقعه را روایت می‌کرد، توجه مرا جلب کرد. همه آن تصویرسازی‌ها طبیعی بود و وقتی آهنگ‌های والناتو رواج یافتند و وارد بازار تجاری موسیقی شدند، ریتم و احساس حاضر در آن آهنگ‌ها مجذوبم می‌کرد. آن آهنگ‌ها شبیه آهنگ‌هایی بودند که مادربزرگم سال‌های سال زمزمه می‌کرد.»

از حرف زدن در باب شعر و موسیقی، مارکز می‌خواست به این دیدگاه برسد که پشتوانه و ریشه ادبیات او در شعر بوده است. مارکز آنقدر در سنین جوانی شیفته شعر بوده که بعدها گفته بود نمی‌داند چرا رمان نوشته است و اصلا رمان نوشتن را از کجا یاد گرفته است. ویژگی معروف داستان‌ها و رمان‌های مارکز، واقع‌گرایی جادویی آنهاست که مارکز درباره‌اش گفته بود: «این سبک همان شیوه‌ای است که مادربزرگم قصه می‌گفت؛ وحشی‌ترین حوادث را به طبیعی‌ترین و ساده‌ترین زبان روایت می‌کرد.» در سال‌های پایانی زندگی خلاقیت و توان نویسندگی مارکز کمتر شد. او برای نوشتن کتاب «خاطرات دلبرکان غمگین من»، چاپ ۲۰۰۴، حدود ۱۰ سال وقت صرف کرد. در ژانویه ۲۰۰۶ اعلام کرد که دیگر تمایل به نوشتن را از دست داده است. آخرین اثری که از مارکز منتشر شد، کتابی است با عنوان «نیامدم که سخنرانی کنم» که مجموعه‌ای از ۲۲ سخنرانی این نویسنده در مراسم مختلف است. با مرگ گابریل گارسیا مارکز در ۸۷سالگی، در خانه‌اش در مکزیکوسیتی، جهان یکی دیگر از نویسندگان بزرگش را از دست داد. خوان مانوئل سانتوس، رئیس‌جمهوری کلمبیا در تجلیل از گابریل گارسیا مارکز در توئیتر خود نوشت: «هزار سال تنهایی و غم، به‌خاطر مرگ بزرگ‌ترین کلمبیایی در سراسر تاریخ.»

کتاب‌های مارکز به ۵۶زبان ترجمه شده‌اند. این تصویر او روی روزنامه‌های مختلف است.

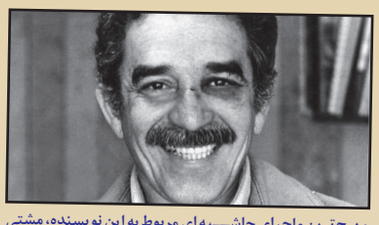

مهیج‌ترین ماجرای حاشیه‌ای مربوط به این نویسنده، مشتی بود که یوسا در ۱۹۷۶ حواله صورت مارکز کرد. ظاهرا ماجرا سر دهن‌لقی مارکز بر سر یک ماجرای عاشقانه بوده.

مارکز یکی از دوستان صمیمی فیدل کاسترو بود. او سال ۱۹۵۹ بلافاصله بعد از انقلاب کوبا به این کشور رفت و برای کاسترو خبرگزاری راه انداخت.

مارکز سال‌ها با کارلوس فوئنتس - دیگر نویسنده معروف آمریکای لاتین - کلاس فیلمنامه‌نویسی داشت. آنها با هم یک فیلمنامه به اسم «خروس طلایی» هم نوشتند.